



بررسی تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرس

شایان فرهنگ دوست^۱، آرزو زند شائق^۲، سعید شیرشکن^۳

چکیده: هدف این پژوهش آزمون تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بدین منظور، تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری پژوهش مدنظر قرار گرفته و پس از اعمال محدودیت‌های پژوهش، ۱۰۳ شرکت (معادل ۷۲۱ مشاهده شرکت-سال) در طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ انتخاب گردیدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی، از یک سو، حاکی از آن است که در میان مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، تخصص هیئت‌مدیره و دوگانگی وظایف مدیرعامل با خوانایی گزارش حسابرس (شاخص فلش) رابطه معنادار مثبت و استقلال هیئت‌مدیره با متغیر مذکور رابطه معنادار منفی دارد. از سوی دیگر، نتایج نشان می‌دهد که با به کارگیری شاخص فوگ برای سنجش خوانایی گزارش حسابرس، به استثنای متغیر جنسیت هیئت‌مدیره، سایر متغیرها ارتباط معنادار مثبتی را با خوانایی گزارش حسابرس داشته‌اند. انتظار می‌رود تا یافته‌های پژوهش حاضر بتواند به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، موسسات حسابرسی و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی از جمله جامعه حسابداران رسمی اطلاع‌رسانی کرده تا نسبت به ایجاد و تقویت راه‌کارهایی در جهت افزایش خوانایی گزارش‌های حسابرسی و نیز مکانیزم‌های مناسب‌تر حاکمیت شرکتی گام بردارند و از اقدامات فرصت‌طلبانه مدیران همانند مدیریت سود در آینده پیشگیری کنند.

کلید واژه‌ها: خوانایی گزارش حسابرسی؛ حاکمیت شرکتی؛ هیئت‌مدیره؛ کمیته حسابرسی؛ سهامداران نهادی.

۱. کارشناس ارشد حسابرسی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).
Shayan_fd@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، موسسه آموزش عالی کویان، مشهد، ایران.

۳. کارشناس ارشد حسابرسی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۸

۱. مقدمه

در طی سال‌های اخیر توجه زیادی هم در حوزه عمل و هم در حوزه پژوهش علمی به مفهوم حاکمیت شرکتی^۱ معطوف شده است. لویت (۲۰۰۰) استدلال کرده است که "کمیت‌های حسابرسی نقش غیرقابل انکاری در به چالش کشیدن رویه‌هایی دارند که حائز پتانسیل کاهش کیفیت گزارشگری مالی هستند". علاوه بر این، حسابرسان به واسطه‌ی وظیفه اعتباربخشی خود، بخش مهمی از سیستم نظارتی یک شرکت را تشکیل می‌دهند و از این رو، می‌توان آن‌ها را به عنوان مولفه اساسی از ساختار حاکمیت شرکتی نیز در نظر گرفت. با این حال، حسابرسان اصولاً باید با دیگر بازیگران ساختار حاکمیت شرکتی در تعامل باشند تا این اطمینان را برای ذینفعان به وجود آورند که عالی‌ترین کیفیت گزارشگری مالی برای آن‌ها فراهم شده و از منافع سهامداران و سرمایه‌گذاران فعلی و آتی نیز محافظت می‌شود. به عنوان نمونه، حسابرس باید با کمیت‌های حسابرسی همکاری داشته باشد تا کیفیت گزارشگری مالی را ارزیابی و ارتقا بخشند (کوهن و همکاران، ۲۰۰۲).

حاکمیت یا راهبری شرکتی اصطلاحی نوین قلمداد می‌شود که در طی چند دهه اخیر نه تنها در حوزه ادبیات و مبانی نظری، بلکه در حوزه عمل، سیاست‌گذاری بخش عمومی و تجربی نیز اهمیت پیدا کرده است. این اصطلاح را از دو دیدگاه محدود و نامحدود می‌توان مورد بررسی قرار داد (زینگالس، ۱۹۹۷). از نظرگاه محدود، حاکمیت شرکتی چشم‌اندازی از رابطه نمایندگی میان شرکت و سهامداران محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، در این دیدگاه، حاکمیت شرکتی صرفاً به نظریه نمایندگی و رابطه میان کارگماران و کارگزاران شرکت اشاره دارد. از سوی دیگر، از دیدگاه نامحدود، حاکمیت شرکتی شامل مجموعه‌ای از روابط پیچیده میان مالکان شرکت و طیفی از ذینفعان آن از جمله مشتریان، کارمندان، فروشندگان، اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و غیره می‌شود که خود تداعی بخش نظریه دیگری به نام نظریه ذینفعان^۲ می‌باشد. با توجه به این موضوع، می‌توان استدلال کرد که هدف غائی حاکمیت شرکتی کاهش شکاف نمایندگی و همسو کردن منافع کارگمار و کارگزار و نیز تامین منافع تمامی گروه‌های ذینفع شرکت می‌باشد که خود موجب ارتقای مسئولیت پاسخگویی، برقراری عدالت، افزایش شفافیت مالی و غیرمالی و رعایت حقوق تمامی گروه‌های ذینفع می‌شود (حسن و همکاران، ۲۰۱۹).

انتظار می‌رود تا میزان یا نوع افشای موضوعات حائز اهمیت یا کلیدی حسابرسی^۳ و همچنین میزان خوانایی یا درک گزارش حسابرسی وابسته به کیفیت مولفه‌های حاکمیت شرکتی حاکم بر شرکت باشند؛ چرا که در صورت ضعف ساختار مذکور، احتمال ارائه اظهارنظرهای تعدیل شده توسط حسابرس، گزینش حسابرس توسط مدیریت، خدشه‌دار شدن استقلال و اخلاق حرفه‌ای حسابرسی و به تبع آن کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و ذینفعان به اتکاپذیری صورت‌های مالی و حاکمیت شرکتی وجود دارد. این امر به نوبه خود موجب کاهش اعتبار فرآیند حسابرسی و برقراری کارا و اثربخش حاکمیت شرکتی و افزایش هزینه‌های تامین مالی شرکت و به طور کلی، نمایش کاذب وضعیت نامطلوب شرکت به صورت مطلوب می‌شود (ولته، ۲۰۱۸). لذا، هدف این پژوهش آزمون رابطه میان مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و خوانایی گزارش حسابرس در بازار بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. از جنبه نظری، به سبب تفکیک مالکیت از مدیریت، گزارش‌های مالی و حسابرسی پلی ارتباطی میان مدیران و ذینفعان بیرونی (همانند سهامداران) در شرکت‌های سهامی محسوب می‌شوند. سرمایه‌گذاران و سهامداران اقلیت بیرونی می‌توانند از وضعیت مالی شرکت، عملکرد و جریان‌ها و وجه نقد آن به واسطه گزارش‌های سالانه مطلع شده و از این رو جنبه‌های رشد شرکت و صلاحیت مدیریت آن را ارزیابی کنند. با این حال، تضعیف فزاینده سطوح خوانایی گزارش‌های مالی و حسابرسی در سال‌های اخیر بر عملکرد ارتباطی آن‌ها تأثیر معکوس داشته است (به عنوان نمونه: لی، ۲۰۰۸). یکی از اثرات بهبود در سیستم‌های افشای اطلاعات مالی در بازارهای سرمایه این است که اطلاعات افشا شده در گزارش‌های سالانه شامل بسیاری از اصطلاحات تخصصی و یادداشت‌های خاص و نیز اطلاعات غیرمالی گردیده که این امر موجب پیچیده‌تر شدن و غیرقابل درک شدن بیش از پیش آن‌ها شده است. در این راستا، طول گزارش‌های مالی و حسابرسی روند رو به افزایشی داشته و از این جهت خوانایی این گزارش‌ها به صورت یک مشکل دشوار پدیدار شده است، به ویژه در عصر حاضر که با انفجار اطلاعاتی مواجه هستیم. بنابراین، اثرات اقتصادی خوانایی گزارش‌های مالی و حسابرسی توجه قانون‌گذاران و محققان را به گونه‌ای مشابه به خود جلب کرده است (لو و همکاران، ۲۰۱۸).

پژوهش تجربی در زمینه افشای موضوعات حائز اهمیت یا کلیدی در متن گزارش حسابرسی و خوانایی گزارش حسابرسی موضوعی جدید با سابقه تاریخی کوتاه محسوب

می‌شود. در این راستا، پژوهش‌های تجربی و آرشویی معدودی در کشورهای مختلف در ارتباط با تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرسی همراه با نتایج مختلف انجام شده است. از آن جایی که هیچ‌کدام از مطالعات مذکور، از متغیرهای حاکمیت شرکتی به عنوان عوامل تعیین‌کننده محتمل خوانایی گزارش حسابرسی یاد نمی‌کنند، پژوهش حاضر شکاف پژوهشی آشکاری را در حوزه حسابرسی و حاکمیت شرکتی مشاهده می‌کند. بسیاری از مطالعات آرشویی پیشین، از یک سو، رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت و از سوی دیگر، رابطه میان گزارشگری مالی و غیرمالی و کیفیت حسابرسی را بررسی کرده‌اند. افزون بر این، تعداد کمی از مطالعات آرشویی پیشین نیز بر حق‌الزحمه حسابرسی تمرکز کرده و تاثیر مثبت یا منفی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی را بررسی کرده‌اند (به عنوان نمونه: ژيانو و چنگدو، ۲۰۱۵). همچنین، شایان ذکر است که تاکنون هیچ پژوهش داخلی نیز در ارتباط با موضوع پژوهش جاری انجام نشده است. در نتیجه، پژوهش حاضر نخستین پژوهشی است که به بررسی رابطه میان متغیرهای حاکمیت شرکتی و خوانایی گزارش حسابرسی برای نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. استدلال ما این است که وجود یا استقرار ساختار حاکمیت شرکتی قوی‌تر موجب افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره و همکاری نزدیک‌تر آن‌ها با حسابرسان مستقل می‌شود. از آن جایی که کمیته حسابرسی باید حسابرسان را مجاب کند تا بندهای با اهمیت را در گزارش خود افشا کنند، انتظار ما این است که متغیرهای حاکمیت شرکتی به طور مثبتی بر خوانایی گزارش حسابرسی تأثیرگذار باشند.

صورت‌های مالی و اطلاعات مندرج در آن‌ها را زمانی می‌توان از دیدگاه سرمایه‌گذاران و ذینفعان مفید و موثر دانست که حائز ویژگی‌های کیفی لازم باشند. در این راستا، فرآیند حسابرسی مالی را می‌توان یکی از عوامل ارتقا دهنده کیفیت گزارش‌های مالی در نظر گرفت. سرمایه‌گذاران و ذینفعان به واسطه فرآیند حسابرسی و ارتقای کیفیت حسابرسی به کیفیت صورت‌های مالی اعتماد کرده و بدین ترتیب تامین مالی از طریق سرمایه و بدهی برای شرکت با سهولت بیشتری فراهم خواهد شد. علاوه بر این، خواناتر بودن گزارش‌های حسابرسی نیز به ارتقای کیفیت حسابرسی یاری می‌رساند (حاجیه‌ها و قانع، ۱۳۹۵؛ اسمیث، ۲۰۱۶). مطالعات انجام شده در سایر کشورها حاکی از آن است که تصمیم‌گیری مجامع عمومی شرکت‌های

سهامی عام در ارتباط تعدیلات سنواتی و سایر اقلام مندرج در صورت‌های مالی، تقسیم سود و ترکیب و پاداش هیئت‌مدیره تحت تأثیر موارد مطروحه در گزارش حسابرسی و بندهای شرط آن قرار دارد (حساس یگانه، ۱۳۸۲). از این رو، انتظار می‌رود تا اجرای هر چه بهتر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی بر کیفیت گزارش حسابرسی نیز تأثیر گذاشته و موجب خواناتر شدن آن شود. لذا مسئله اصلی در پژوهش حاضر این گونه مطرح می‌شود که آیا در صورت اجرای صحیح و مناسب مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی، خوانایی گزارش حسابرسی تحت تأثیر قرار می‌گیرد یا خیر؟

عمده پژوهش‌های انجام شده پیشین صرفاً بر اطلاعات عددی مندرج در گزارش‌های مالی تمرکز کرده‌اند و جنبه‌های نگارشی این گزارش‌ها غالباً نادیده گرفته شده‌اند. ابهام، پیچیدگی و غیرقابل فهم بودن صورت‌های مالی می‌تواند درک خوانندگان و استفاده‌کنندگان این صورت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین ناخوانایی گزارش‌های حسابرسی می‌تواند به عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر نیز دامن بزند. از بُعد رفتاری نیز ممکن است اظهارنظرهای حسابرسی ناخوانا بر رفتار خوانندگان گزارش حسابرسی تأثیرگذار باشد. لذا، موضوع پژوهش حاضر در ارتباط با خوانایی گزارش‌های حسابرسی و میزان تأثیرپذیری آن از ساختار حاکمیت شرکتی می‌تواند برای موسسات حسابرسی و نهادهای نظارتی همانند سازمان حسابرسی و سازمان بورس اوراق بهادار حائز اهمیت باشد تا بدین طریق نسبت به یافتن شیوه‌هایی برای افزایش کیفیت نگارش گزارش‌های مالی و حسابرسی و میزان خوانایی آن‌ها اقدامات مقتضی را انجام دهند.

در ادامه مقاله حاضر، ابتدا مباحث مرتبط با مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و سیاست افشای شرکت و چارچوب نگارشی برای گزارش حسابرس تشریح می‌شود و سپس به بررسی الزامات اصولی در رابطه با جمله‌بندی گزارش حسابرسی و ویژگی‌های کیفی نمونه گزارش‌های حسابرسی ارائه شده توسط استانداردهای بین‌المللی حسابرسی پرداخته می‌شود. پیشینه پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر در حوزه داخلی و خارجی و همچنین فرآیند تدوین فرضیه‌های پژوهش در ادامه این بخش ارائه خواهد شد. در بخش سوم، نحوه گردآوری داده‌ها به همراه طرح کلی پژوهش برای آزمون تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرس توصیف خواهد شد. این بخش همچنین شامل شاخص‌های اندازه‌گیری متغیرها و الگوی پژوهش نیز می‌باشد. بخش چهارم مقاله حاضر به توضیح آماره‌های توصیفی متغیرها و

نتایج حاصل از اجرای مدل داده‌های تابلویی می‌پردازد. این بخش با بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش و نیز تحلیل مشکل هم خطی میان متغیرهای مستقل خاتمه خواهد یافت. بخش انتهایی پژوهش نیز با ارائه استدلال‌ها، محدودیت‌ها و پیشنهادهای مناسب در زمینه موضوع پژوهش برای پژوهش‌های آتی خاتمه بخش مقاله حاضر خواهد بود.

۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. سیاست مالی شرکت و ساز و کار حاکمیت شرکتی

نظریه‌هایی که تاکنون در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر در پژوهش‌های پیشین مطرح شده اند شامل ترکیبی از سه نظریه ذینفعان، نمایندگی و هزینه معاملات^۳ می‌شود (لاپلومه و همکاران، ۲۰۰۸). نحوه نظارت بر شرکت‌ها و حاکمیت شرکتی آن‌ها در پی جدایی مالکیت از مدیریت و به وجود آمدن شرکت‌های سهامی و تجمیع سرمایه‌ها دچار تغییرات بنیادین و شگرفی گردید. این تغییرات سر منشا مشکلی بود که از آن به عنوان "مشکل نمایندگی" یاد شده است و در بستر نظریه‌ای به نام "نظریه نمایندگی" تبیین می‌شود. افزون بر این، سهامی شدن شرکت‌ها در پی تجمیع سرمایه‌ها موجب گسترش حوزه مسئولیت پاسخگویی آن‌ها به اشخاصی فراتر از سهامداران خود گردید که از آن جمله می‌توان به اشخاص برون سازمانی همانند مشتریان، اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران، شرکت‌های رقیب، کارمندان و عموم افراد جامعه اشاره کرد. در این راستا، نظریه ذینفعان استدلال می‌کند که رابطه مبادله‌ای یا تعاملی میان شرکت و ذینفعان آن برقرار می‌باشد. در این نوع رابطه، هم شرکت و هم ذینفعان آن به طور متقابل بر یکدیگر تأثیرگذار هستند. به عبارت دیگر، مطابق با نظریه مذکور، ذینفعان شرکت به عنوان یک شرکت مستقل با قراردادهایی صریح و یا ضمنی محسوب می‌شوند که با شرکت مورد نظر در تعامل هستند. در این راستا، برخی از پژوهش‌های پیشین برای ذینفعان نفع قانونی به گسترده‌ترین مفهوم قائل شده اند. علاوه بر نظریه ذینفعان، نظریه هزینه معاملات حاکی از آن است که برخی معاملات درون سازمانی در اثر پدیدار شدن شرکت‌های سهامی از زمان انقلاب صنعتی و گسترش حوزه فعالیت آن‌ها حذف گردیده‌اند. همچنین فرآیند تولید نیز در پی گسترش شرکت‌های مذکور هماهنگ‌سازی شده و میان قیمت و معاملات در بازار سرمایه تعادل برقرار شده است (لاپلومه و همکاران، ۲۰۰۸؛ ولته، ۲۰۱۸).

سیاست یا موضع افشای شرکت را می‌توان در بستر نظریه نمایندگی به ساختار حاکمیت شرکتی آن پیوند داد (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶). مطابق با نظریه مذکور، تضاد منافع موجود میان مدیران و سهامداران شرکت موجب بروز هزینه‌های نمایندگی می‌شود. در این حالت، هر گونه کاهش در هزینه‌های نمایندگی ناشی از شرایط بازار سرمایه به صورت منفعت اقتصادی نصیب مدیران و مالکان خواهد شد. از این رو، انگیزه لازم برای مدیران و مالکان به وجود خواهد آمد تا به طور داوطلبانه اقداماتی را همانند افشای اطلاعات مالی و پیروی از نظارت‌های تعبیه شده در سازمان صورت دهند (لاپلومه و همکاران، ۲۰۰۸).

نظریه‌های مختلفی وجود دارند که به تشریح انگیزه‌های مدیران برای مبهم سازی و دشوارسازی خوانایی گزارش‌های سالانه می‌پردازند. به عنوان نمونه، نظریه نمایندگی و نظریه علامت‌دهی به توضیح استراتژی افشای شرکت در رابطه با تأثیرات اقتصادی آن بر عملکرد شرکت می‌پردازند (واتس و زیمرمن، ۱۹۷۸، ۱۹۹۰). در این راستا، جنسن و مکلینگ (۱۹۷۶) استدلال می‌کنند که تضاد منافع همواره میان مالکان (کارگزاران) و مدیران آن‌ها (کارگزاران) وجود دارد که این موضوع موجب بروز هزینه‌های نمایندگی همانند بدهی و سرمایه می‌شود. مدیران به منظور رفع مشکل مذکور، اطاعات غیرمالی و افشاهای مالی را برای دینفعان مختلف همانند مالکان و بستانکاران شرکت قابل فهم‌تر و خواناتر می‌سازند. بر طبق نظریه علامت‌دهی، مدیران با اتخاذ هر کدام از سیاست‌های خوانایی گزارش‌های سالانه، علامت‌هایی را به سرمایه‌گذاران مخابره می‌کنند (قائمی و شهریاری، ۱۳۸۸). واتس و زیمرمن (۱۹۷۸) عنوان می‌کنند که شرکت‌هایی که عملکرد خوبی دارند، افشاهای بیشتری نیز دارند. از این رو، می‌توان این گونه استدلال کرد که عملکرد شرکت صرفاً به میزان افشا مربوط نمی‌باشد، بلکه شفافیت افشا نیز بر عملکرد شرکت تأثیرگذار می‌باشد. طبق نظریه علامت‌دهی، چنانچه عملکرد شرکت بد باشد، مدیران تلاش خواهند کرد تا از طریق کاهش دسترسی به اطلاعات مذکور و یا دشوارسازی خوانایی و تفسیر گزارش‌ها، تأثیر این اخبار منفی را بر قیمت‌های بازار به حداقل برسانند. داداشی و نوروزی (۱۳۹۹) نیز با بررسی اثر میانجی خوانایی گزارشگری مالی بر رابطه میان مدیریت سود و هزینه سرمایه این گونه استدلال کرده‌اند که مدیریت سود در شرکت‌هایی رایج‌تر است که گزارش‌های مالی پیچیده‌تر و با خوانایی کمتری داشته و سعی در پنهان‌سازی رفتار فرصت طلبانه مدیران داشته‌اند. همچنین آن‌ها خاطر نشان کرده‌اند که خوانایی کمتر

گزارش‌های مالی و افشای پیچیده‌تر در شرکت‌های مذکور موجبات پدیدار شدن عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران را فراهم کرده و از تفسیر مناسب گزارش‌های مالی سالانه توسط سرمایه‌گذاران بازداری می‌نماید.

نظریه مشروعیت قانونی چارچوب دیگری را فراهم می‌کند که استراتژی گزارشگری شرکت را ناشی از مطالبه مشروعیت اجتماعی تشریح می‌کند که خود موجب بهبود عملکرد شرکت می‌شود (حسن، ۲۰۰۸، ۲۰۱۴). نظریه پردازان نظریه مشروعیت استدلال می‌کنند که در جامعه فشارهای اجتماعی و قانونی وجود دارد و از این رو، مدیران شرکت خود را با این فشارها تطبیق می‌دهند تا بقای شرکت (عملکرد بهتر) و تداوم فعالیت آن در اجتماع را تضمین کنند (حسن، ۲۰۰۸، ۲۰۱۴). اودونووان (۲۰۰۲) استدلال می‌کند که اگرچه مشروعیت قانونی توسط افراد خارج از شرکت به آن اعطا می‌شود، ممکن است توسط خود شرکت به دلیل آن چه که اسمیث و همکاران (۲۰۰۶، ۲۰۱۱) "مبهم سازی" می‌نامند، کنترل شود. اسمیث و همکاران (۲۰۰۶، ۲۰۱۱) استدلال می‌کنند که "مبهم سازی" بیانگر "اختفا یا پنهان سازی رویدادها و یا تلاش برای حداقل سازی اهمیت آن‌هاست". همچنین پژوهشگران مذکور عنوان می‌کنند که مبهم سازی شامل دست‌کاری اطلاعات برای استفاده‌کنندگان از طریق افزایش پیچیدگی‌های خوانایی گزارش سالانه می‌باشد. یک شرکت برای کسب مشروعیت قانونی ممکن است پیچیدگی گزارش‌های خود را به منظور مخابره تصویری خاص و برآورده کردن انتظارات افراد برون‌سازمانی به عنوان بخشی از فرآیند مشروعیت زایی تغییر دهد (اودونووان، ۲۰۰۲؛ حسن، ۲۰۰۸).

به طور کلی می‌توان دو نقش جایگزین و مکمل را برای ارتباط میان مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و سیاست کلی افشای شرکت در نظر گرفت (هو و وُنگ، ۲۰۰۱). چنانچه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی موجب ارتقای کیفی سیستم کنترل داخلی شرکت گردد و رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را برای کسب منفعت شخصی از اطلاعات محدود کند، نقش این مکانیزم‌ها به عنوان نقش مکمل تعبیر می‌شود. این نقش خود موجب ایجاد یکپارچگی در افشاهای مالی و ارتقای سطح کیفی گزارش‌های مالی می‌شود. از سوی دیگر، چنانچه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی موجب محدود کردن رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت گردیده و نیاز به افشا و نظارت بیشتر را کاهش یا منتفی سازد، نقش جایگزین این مکانیزم‌ها تداعی

خواهد شد (هو و وُنگ، ۲۰۰۱).

۲-۲. پیشینه پژوهش و تدوین فرضیه‌ها

در تطابق با پیش بینی‌های نظریه نمایندگی، تأثیرپذیری ابعاد مختلف سیاست افشای شرکت‌ها همانند زمان بندی افشا (سِنگوپتا، ۲۰۰۴)، کیفیت افشا (کِلاین، ۲۰۰۲) و گرایش به افشای داوطلبانه اطلاعات مالی (کِلاین، ۲۰۰۲)، از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مورد توجه و بررسی پژوهش‌های پیشین بوده است. در این راستا، پژوهش حاضر در تلاش است تا تأثیر پذیری یک بعد دیگر از سیاست افشای شرکت (خوانایی گزارش حسابرسی) را از مکانیزم‌های مذکور مورد بررسی قرار دهد. به طور کلی، شفافیت در افشای مالی موجبات شفافیت بیشتر در رابطه با فعالیت‌های شرکت را فراهم می‌کند. لذا، می‌توان میان شفافیت در افشاهای مالی یک شرکت و شیوه انتشار اطلاعات توسط آن ارتباط معنی داری را قائل شد. در این راستا، در پژوهش حاضر شش مکانیزم حاکمیت شرکتی شامل استقلال هیئت‌مدیره، تخصصی مالی هیئت‌مدیره، جنسیت هیئت‌مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل، استقلال کمیته حسابرسی و مالکیت نهادی به عنوان مکانیزم‌های اثرگذار بر خوانایی گزارش حسابرسی انتخاب گردیده و فرضیه اصلی پژوهش به صورت ذیل مطرح می‌شود:

فرضیه اصلی: مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرس تأثیر دارند.

۲-۲-۱. نسبت اعضای غیرموظف مستقل در هیئت‌مدیره شرکت

یکی از وظایف اصلی هیئت‌مدیره در شرکت، وظیفه کنترل آن است. هیئت‌های مدیره عموماً شامل اعضای بیرونی (اعضای غیرموظف) می‌شوند که در استخدام شرکت نیستند. این اعضا اغلب به عنوان میانجی یا قاضی، اختلافات میان مدیران داخلی و مشکلات نمایندگی را برطرف می‌کنند. استقلال هیئت‌مدیره به عنوان عامل تعیین‌کننده کلیدی برای حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران و نظارت بر فرآیند حسابداری مالی در نظر گرفته می‌شود (فاما و جنسِن، ۱۹۸۳؛ کِلاین، ۲۰۰۲). مدیران غیرموظف (مستقل) بیرونی به عنوان ابزاری برای نظارت بر رفتار مدیریت قلمداد می‌شوند و از این رو زمینه‌ساز افشای داوطلبانه بیشتر اطلاعات توسط مدیران داخلی شرکت می‌شوند. پژوهش‌های متعددی وجود دارند که نشان می‌دهند هیئت‌های

مدیره باید از اکثریت مدیران غیرموظف تشکیل شوند تا هم مشکلات اخلاقی ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت را کاهش داده و هم موجب بهبود فرآیند حسابرسی شوند (برادبوری و همکاران، ۲۰۰۶؛ مهدوی و علیزاده طلائی، ۱۳۹۴). کارسلو و همکاران (۲۰۰۲) عنوان می‌کنند که مدیران مستقل با جدیت بیشتری به نقش نظارتی خود پرداخته و حامی حسابرسان مستقل هستند. آن‌ها آمادگی بیشتری برای پرداخت هزینه حسابرسی با کیفیت‌تر دارند تا از حسن شهرت خود محافظت کرده، از پیگرد قانونی در امان بوده و منافع سهامداران را نیز ارتقا بخشند. کارسلو و همکاران (۲۰۰۲) فرض می‌کنند که هیئت‌مدیره مستقل‌تر مسئولیت بیشتری را برای نظارت تقبل می‌کند که این امر موجب کاهش سطح برآورد شده ریسک کنترل توسط حسابرسان می‌شود. پژوهش‌های لِفویچ و همکاران (۱۹۸۱) و فاما و جِنسِن (۱۹۸۳) به طور مشابه استدلال می‌کنند که هر چه تعداد مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره شرکت بیشتر باشد، کارایی هیئت‌مدیره در نظارت بر رفتار فرصت‌طلبانه مدیریتی بیشتر بوده و می‌توان انتظار داشت تا شرکت‌ها افشاهای داوطلبانه بیشتری داشته باشند. فورکر (۱۹۹۲) به این یافته دست پیدا کرده است که درصد بالاتر مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره شرکت‌ها موجب بهبود نظارت بر کیفیت افشای مالی و کاهش منافع حاصل از محدودیت نشر اطلاعات می‌شود. چن و ژاگی (۲۰۰۰) نیز شواهدی مبنی بر رابطه مثبت میان نسبت اعضای مستقل هیئت‌مدیره شرکت و جامع بودن و قابلیت فهم افشاهای مالی فراهم می‌کنند. در نهایت، کلاین (۲۰۰۲) نیز شواهدی را فراهم کرده است مبنی بر این که پیش‌بینی‌های سود به عنوان شاخص افشای داوطلبانه در شرکت‌هایی که درصد مدیران مستقل آن‌ها بالاتر است، بیشتر بوده و استدلال می‌کنند که "مکانیزم‌های نظارتی" به میزان و کیفیت اطلاعات تعهدی افشا شده توسط مدیران مرتبط است. لذا می‌توان گفت که درصد مدیران مستقل در هیئت‌مدیره شرکت به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، نقش مهمی را در سیاست افشای شرکت ایفا می‌کند.

همچنین ادبیات علمی پیشین این گونه استدلال می‌کند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی به طور معنی‌داری بر تصمیمات حسابرسان در رابطه با فرآیند حسابرسی از جمله اظهارنظر آن‌ها تأثیرگذار هستند. به عنوان نمونه، کوهن و هانو (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که ساختارهای حاکمیت شرکتی و سیاست کنترلی مدیریت شرکت به طور با اهمیتی بر

ارزیابی ریسک کنترل و آزمون محتوای حسابرسی تأثیرگذار هستند. پژوهش مذکور نشان می‌دهد که حسابرسان در زمان حسابرسی ساختار کلی حاکمیت شرکتی را در نظر می‌گیرند. یافته مذکور به طور ضمنی حاکی از آن است که حسابرسان در رابطه با کیفیت گزارشگری مالی به این موضوع توجه دارند که شرکت‌هایی که هیئت‌مدیره قوی‌تری دارند، ریسک تجاوز از حدود تعیین شده در آن‌ها توسط مدیریت شرکت در زمان ارائه وضعیت مالی کمتر است. به عبارت دیگر، ساختار حاکمیت شرکتی قوی ممکن است سطح ارزیابی شده ریسک‌های کنترل و ذاتی را تحت تأثیر قرار دهد و این امر به نوبه‌ی خود می‌تواند بر ماهیت، شکل و محتوای گزارش حسابرسی تأثیر گذاشته و موجب بهبود خوانایی گزارش حسابرسی گردد. در مجموع، با توجه به استدلال‌های پیش گفته، فرضیه فرعی نخست پژوهش به صورت ذیل عنوان می‌شود:

فرضیه فرعی اول: استقلال هیئت‌مدیره بر خوانایی گزارش حسابرس تأثیر دارد.

۲-۲-۲. تخصص مالی هیئت‌مدیره شرکت

نقش هیئت‌مدیره در ساختار حاکمیت شرکتی مورد توجه پژوهشگران و قانون‌گذاران بوده است. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که ویژگی‌های کلیدی هیئت‌مدیره (و نه صرفاً حضور ظاهری آن در شرکت) به طور چشمگیری بر توانایی آن برای انجام موثر وظایف خود تأثیرگذار است (آبوت و همکاران، ۲۰۰۳). شواهد تجربی عنوان می‌کنند که تخصص مالی هیئت‌مدیره با کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مستقیم دارد. به عنوان نمونه، در پژوهش‌های پیشین میان تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره شرکت با مدیریت سود متهورانه^۵ (بدارد و همکاران، ۲۰۰۴) و تجدید ارائه صورت‌های مالی ارتباط معنی‌داری منفی به دست آمده است (آبوت و همکاران، ۲۰۰۴). این در حالی است که پژوهش‌های مذکور میان تخصص مالی هیئت‌مدیره و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت معنی‌داری نشان می‌دهند (فلو و همکاران، ۲۰۰۳). این نتایج حاکی از آن است که تخصص مالی هیئت‌مدیره شرکت بر افشای مالی تأثیرگذار است. لذا، فرضیه فرعی دوم پژوهش حاضر به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه فرعی دوم: تخصص مالی هیئت‌مدیره بر خوانایی گزارش حسابرس تأثیر دارد.

۳-۲-۲. جنسیت هیئت‌مدیره شرکت

آهنگ کند تصمیم‌گیری توسط بانوان مورد تاکید پژوهشگران قرار داشته است (به عنوان نمونه، آبوت و همکاران، ۲۰۰۳). قابلیت‌های تصمیم‌گیری و فرآیندهای تصمیم‌گیری نوآورانه با حضور بانوان در هیئت‌مدیره شرکت اثربخشی بیشتری دارند، چرا که خانم‌ها خود را کمتر در بند قوانین، دستورالعمل‌ها و سایر رویه‌هایی گرفتار می‌بینند که معمولاً بر استدلال منطقی آقایان در زمان تصمیم‌گیری چیره و حکم‌فرما هستند (بارت و مک کوئین، ۲۰۱۳). هم‌راستای با این نتایج، بسیاری از مطالعات عنوان کرده‌اند که اعضای مونث هیئت‌مدیره حائز میزان بالاتری از ریسک‌گریزی هستند و محافظه‌کارانه‌تر نیز عمل می‌کنند. پژوهش‌های انجام شده در مورد تنوع جنسیتی نه تنها بر مدیران اجرایی بلکه بر زیرمجموعه مدیران غیراجرایی همانند کمیته حسابرسی نیز تمرکز کرده‌اند. نتایج مختلفی از اختلافات جنسیتی در هیئت‌های مدیره گزارش شده است که از آن جمله می‌توان به قابلیت‌های ارتباطی اثربخش‌تر (وود و همکاران، ۱۹۸۵)، انگیزه بالاتر برای طرح پرسش‌های نقادانه و همفکری گروهی بهتر (وود و همکاران، ۱۹۸۵) اشاره کرد. پژوهش ولته (۲۰۱۸) به بررسی رابطه میان درصد بانوان در کمیته‌های حسابرسی شرکت‌های انگلیسی و افشای موارد کلیدی حسابرسی در گزارش حسابرسان در طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ میلادی پرداخته است. نتایج وی نشان می‌دهد که درصد بیشتر حضور بانوان در کمیته‌های حسابرسی موجب بالاتر رفتن سطح خوانایی گزارش‌های حسابرسی (اندازه‌گیری شده با شاخص فلش) می‌شود. با توجه به مطالب پیش گفته، فرضیه فرعی سوم پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه فرعی سوم: جنسیت هیئت‌مدیره بر خوانایی گزارش حسابرس تاثیر دارد.

۴-۲-۲. دوگانگی وظایف مدیرعامل شرکت

دوگانگی وظایف مدیرعامل شرکت نوعی ساختار حاکمیت شرکتی است که نقش‌های رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل را با یکدیگر ترکیب می‌کند. هانیفا و کوکه (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند که دوگانگی وظایف مدیرعامل شرکت می‌تواند نظارت مدیریتی را بهبود بخشد، چرا که این امر موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تعهدات قراردادی می‌شود. در عین حالی که این موضوع لزوماً به عنوان یک مشکل یا معضل شناخته نمی‌شود، تفکیک دو وظیفه مذکور

می‌تواند به طور محتمل‌تر نظارت و بررسی‌های بیشتری را در مورد عملکرد مدیریت فراهم کند. برادبوری و همکاران (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند که نقش رئیس هیئت‌مدیره نظارت بر مدیرعامل است. با این حال، چنانچه مدیرعامل شرکت هم‌زمان متصدی هر دو نقش باشد، احتمال خدشه‌دار شدن استقلال میان مدیریت و هیئت‌مدیره وجود دارد. فاما و جنسن (۱۹۸۳) عنوان می‌کنند که دوگانگی وظایف مدیرعامل می‌تواند توانایی هیئت‌مدیره برای نظارت بر مدیریت را محدود ساخته و از این رو موجب افزایش هزینه‌های نمایندگی شود. هانیفا و کوکه (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند که تفکیک وظایف دو نقش مذکور کنترل بهتری را بر وظایف و عملکرد مدیریتی فراهم می‌کند، در حالی که نقش ترکیبی مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره می‌تواند سایر اعضای هیئت‌مدیره را کنترل کند، اقلام صورت‌جلسه را انتخاب کند و اعضای هیئت‌مدیره را گزینش نماید. فورکر (۱۹۹۲) استدلال می‌کند که دوگانگی وظایف مدیرعامل تهدیدی برای کیفیت نظارت سازمانی بوده و کیفیت افشای مالی را نیز کاهش می‌دهد. پژوهش وی میان دوگانگی وظایف مدیرعامل و کیفیت افشای مالی ارتباط منفی را نشان می‌دهد. در مجموع، با توجه به نتایج پژوهش‌های مذکور، انتظار می‌رود تا دوگانگی نقش مدیرعامل موجب ارتقای کیفیت و خوانایی گزارشگری مالی و حسابرسی گردد و لذا فرضیه فرعی چهارم به صورت ذیل مطرح می‌شود:

فرضیه فرعی چهارم: دوگانگی وظایف مدیرعامل بر خوانایی گزارش حسابرس تأثیر دارد.

۵-۲-۲. استقلال کمیته حسابرسی شرکت

وظایف کمیته حسابرسی شامل حصول اطمینان از کیفیت سیستم کنترل داخلی و حسابداری مالی می‌باشد (هو و وُنگ، ۲۰۰۱). از آن جایی که کمیته‌های حسابرسی عمدتاً از مدیران غیرموظف تشکیل می‌شوند، از محدودیت افشای اطلاعات جلوگیری به عمل می‌آورند (ولته، ۲۰۱۸). نظریه نمایندگی، ایجاد کمیته‌های حسابرسی را به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی پیش‌بینی می‌کند. فورکر (۱۹۹۲) استدلال کرده است که وجود کمیته‌های حسابرسی ممکن است سیستم کنترل داخلی را تقویت کرده و از این رو به عنوان ابزار نظارتی موثر برای ارتقای کیفیت افشا قلمداد می‌شود. وی ارتباط مثبت اما ضعیفی میان

وجود کمیته حسابرسی و کیفیت افشای اختیار سهام در شرکت‌های انگلیسی مشاهده کرد. از این رو، انتظار می‌رود تا وجود کمیته حسابرسی موجب ارتقای کیفیت افشای شرکت و خوانایی گزارش‌های مالی و حسابرسی آن گردد. بنابراین، فرضیه فرعی پنجم پژوهش حاضر در راستای استدلال پیش گفته به صورت پیرو بیان می‌شود:

فرضیه فرعی پنجم: استقلال کمیته حسابرسی بر خوانایی گزارش حسابرس تاثیر دارد.

۲-۲-۶. مالکیت نهادی

ادبیات علمی پیشین به طور گسترده استدلال کرده است که سهامداران نهادی مکانیزم حاکمیت شرکتی مهمی هستند که احتمالاً به سبب توانایی و انگیزه آن‌ها برای نظارت و کنترل مدیران شرکت به کاهش هزینه‌های نمایندگی یاری می‌رسانند. رُز (۲۰۰۷) نشان داده است که سهامداران نهادی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی موثری هستند، چرا که می‌توانند نظم و انضباط را در مدیریت شرکت ایجاد کنند و مشکل رفتار فرصت‌طلبانه مدیریتی مرتبط با ساختار مالکیت غیرمتمرکز را برطرف کنند. برادبوری و همکاران (۲۰۰۶) مشاهده کردند که درصد سهامداران نهادی بالاتر موجب کاهش اقلام تعهدی می‌شود که خود تداعی‌گر نقش فعال این سهامداران در نظارت بر مدیریت شرکت می‌باشد. از آن جایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده برای اهداف نظارتی و تصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده می‌شوند، این احتمال وجود دارد که مدیریت شرکت از حسابرسان با کیفیت بالاتر برای ارتقای سطح کیفی گزارشگری مالی استفاده کند. مطالعات پیشین، شواهد تجربی را فراهم کرده‌اند مبنی بر این که سهامداران نهادی حائز قدرت بازدارندگی در برابر مدیران برای بهبود و یا تحریف اطلاعات حسابداری هستند. از این رو، فرضیه فرعی ششم پژوهش به صورت ذیل ایراد می‌شود:

فرضیه فرعی ششم: مالکیت نهادی بر خوانایی گزارش حسابرس تاثیر دارد.

۳. روش شناسی پژوهش

۳-۱. جامعه آماری پژوهش

پژوهش حاضر بنا به سهولت دسترسی و قابلیت اتکای اطلاعات مالی حسابرسی شده، از

بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری پژوهش استفاده کرده است.

نگاره ۳: فرآیند انتخاب شرکت‌های موردنظر پژوهش

شرح	تعداد شرکت	تعداد سال-شرکت	درصد از کل جامعه آماری
شرکت‌های موجود در جامعه آماری پژوهش	۴۸۲	۳۳۷۴	۱۰۰
- شرکت‌های حذف شده از بازار سرمایه	(۱۵۹)	(۱۱۱۳)	(۳۲/۹۸)
- شرکت‌های فاقد نماد فعال	(۱۱)	(۷۷)	(۲/۲۸)
- شرکت‌هایی که نقص اطلاعات مورد نیاز دارند	(۱۲۹)	(۹۰۳)	(۲۶/۷۶)
- شرکت‌های فعال در در حوزه بیمه، بانک، سرمایه‌گذاری و هلدینگ	(۴۹)	(۳۴۳)	(۱۰/۱۶)
- شرکت‌هایی که تغییر سال مالی داشته و یا سال مالی آن‌ها منتهی به اسفند ماه نیست	(۱۳)	(۹۱)	(۲/۶۹)
= تعداد شرکت‌های نهایی برگزیده پژوهش	۱۰۳	۷۲۱	۲۱/۳۶

در این راستا، چنانچه شرکتی تمامی معیارهای ذیل را احراز کرده باشد به عنوان شرکت موردنظر پژوهش انتخاب شده و مابقی شرکت‌ها حذف می‌شوند:

۱- شرکت مورد نظر باید در طی قلمروی زمانی پژوهش (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷) در بورس فعالیت داشته و نماد آن فعال باشد.

۲- شرکت مذکور نباید از نوع شرکت‌های فعال در حوزه بیمه، لیزینگ، بانک، موسسات مالی و هلدینگ‌ها به سبب ماهیت متفاوت فعالیت شرکت‌های مذکور با شرکت‌های تولیدی یا بازرگانی باشد.

۳- سال مالی شرکت باید منتهی به ۲۹ اسفند بوده و طی قلمروی زمانی پژوهش نیز تغییر سال مالی نداشته باشد تا اهداف قابلیت مقایسه اطلاعات تامین شود.

۴- سهام شرکت باید به طور مستمر در طی دوره زمانی پژوهش در بازار سرمایه معامله شود.

۵- اطلاعات مالی شرکت‌ها در دسترس باشد.

نگاره (۳) فرآیند کلی انتخاب نمونه پژوهش را تشریح می‌کند.

۲-۳. الگوی آماری و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل آماری رگرسیون به شرح معادله (۱) استفاده شده

است (آجینا و همکاران، ۲۰۱۶؛ ولته، ۲۰۱۸):

$$ARR_{i;t} = \alpha + \beta_1 BDIND_{i;t} + \beta_2 BDSPEC_{i;t} + \beta_3 ACIND_{i;t} + \beta_4 BDGEND_{i;t} + \beta_5 BDDUAL_{i;t} + \beta_6 INSTIT_{i;t} + \beta_7 SIZE_{i;t} + \beta_8 ROA_{i;t} + \beta_9 LEV_{i;t} + \beta_{10} CURR_{i;t} + \beta_{11} BIG_{i;t} + \beta_{12} OPIN_{i;t} + \beta_{13} ROT_{i;t} + e_{i;t} \quad (1)$$

تکنیک "داده‌های تابلویی" به عنوان تکنیکی که موجب ترکیب داده‌های سری زمانی و مقطعی می‌شود به عنوان تکنیک مورد نظر برای تخمین و برآورد مدل پژوهش حاضر به کار گرفته شده است. به طور کلی، تکنیک داده‌های تابلویی با ترکیب داده‌های مذکور، موجب رفع محدودیت تعداد داده‌ها و عدم امکان تحلیل مسائل به صورت سری زمانی می‌شود. داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی را زمانی می‌توان در قالب داده‌های تابلویی ادغام کرد که تعداد مشاهدات و درجه آزادی بالا باشد. یعنی زمانی که تعداد مقاطع زیاد و دوره‌های زمانی کم باشد و یا برعکس، باید نسبت به ادغام داده‌ها با یکدیگر اقدام کرد (اشرف زاده و مهرگان، ۱۳۸۷).

۳-۳. شاخص‌های اندازه‌گیری خوانایی گزارش حسابر

ما از دو شاخص برای سنجش خوانایی گزارش حسابر به عنوان متغیر وابسته (ARR)

استفاده می‌کنیم. نخست، از فرمول یا شاخص سهولت خوانایی فلش استفاده می‌شود که میزان سختی یا آسانی خواندن یک متن را ارزیابی می‌کند (لی، ۲۰۰۸؛ ولته، ۲۰۱۸). فرمول مذکور به صورت رابطه (۲) محاسبه می‌شود:

$$(2) \quad (\text{کل کلمات/کل هجاها}) / 84 - (\text{کل جملات/کل کلمات}) / 15 - 206 / 835 = \text{شاخص فلش}$$

نگاره ۴: جزئیات متغیرهای به کار گرفته شده در الگوی پژوهش

نماد متغیر	نام متغیر	نوع متغیر	مقیاس اندازه گیری
ARR	خوانایی گزارش حسابرسی	وابسته	شاخص فوگ و فلش
BDIND	استقلال هیئت مدیره	مستقل	درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره شرکت
BDSPEC	تخصص مالی هیئت مدیره	مستقل	نسبت اعضای هیئت مدیره که دارای تخصص مالی هستند
ACIND	استقلال کمیته حسابرسی	مستقل	درصد اعضای مستقل در کمیته حسابرسی شرکت
BDGEND	جنسیت هیئت مدیره	مستقل	متغیر شاخص؛ چنانچه حداقل یکی از اعضای هیئت مدیره شرکت خانم باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر
BDDUAL	دوگانگی وظایف مدیرعامل	مستقل	متغیر شاخص؛ اگر وظیفه مدیرعامل و رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره شرکت بر عهده یک فرد باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر
INSTIT	مالکیت نهادی	مستقل	درصد سهام در اختیار نهادها (مالکان نهادی)
SIZE	اندازه شرکت صاحب کار	کنترلی	لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت
ROA	بازده دارایی‌های شرکت	کنترلی	سود خالص تقسیم بر کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت
LEV	اهرم مالی شرکت	کنترلی	نسبت کل بدهی‌ها به کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت
CURR	نسبت جاری شرکت	کنترلی	نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری شرکت
BIG	اندازه موسسه حسابرسی	کنترلی	متغیر شاخص؛ اگر قرارداد حسابرسی شرکت با سازمان حسابرسی منعقد شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر
OPIN	اظهاری نظر حسابرس	کنترلی	متغیر شاخص؛ اگر اظهارنظر حسابرس تعدیل شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر
ROT	تغییر موسسه حسابرسی	کنترلی	متغیر شاخص؛ چنانچه موسسه حسابرسی تغییر کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر

اعداد بیشتر حاصل از فرمول فوق حاکی از آسان‌تر بودن خواندن متن گزارش حسابرسی خواهد بود. نگاره (۵) نحوه نمره دهی این شاخص را نشان می‌دهد. امتیازهای ۱ تا ۷ به هر یک از حدود شاخص مذکور در بازه صفر تا ۱۰۰ اختصاص پیدا می‌کند که هر امتیاز حاکی از میزان سختی خواندن گزارش می‌باشد (یعنی طیفی از خوانایی بسیار دشوار تا بسیار آسان). نگاره (۵) به طور مشروح نحوه امتیازدهی خوانایی گزارش حسابرسی را با بهره‌گیری از شاخص فلش بیان می‌کند (لی، ۲۰۰۸؛ ولته، ۲۰۱۸). همانطوری که ملاحظه می‌شود، خوانایی گزارش حسابرسی در هفت سطح (از خوانایی بسیار دشوار تا خوانایی بسیار آسان) با توجه به حاصل فرمول (۲) طبقه بندی شده است. حداقل و حداکثر میزان شاخص فلش نیز صفر تا صد در نظر گرفته شده است.

شاخص دوم برای خوانایی گزارش حسابرسی، شاخص فوگ می‌باشد که تابعی از دو متغیر طول جمله (بر اساس تعداد کلمات) و کلمات پیچیده (بر مبنای تعداد کلمات با سه تا چند بخش) است و به صورت زیر محاسبه می‌شود (آجینا و همکاران، ۲۰۱۶؛ حسن، ۲۰۱۷؛ فضل الهی و ملکی توانا، ۱۳۸۹؛ سرهنگی و همکاران، ۱۳۹۳؛ صفری گرایلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ صفری گرایلی و رضائی پیتته نوئی، ۱۳۹۷):

نگاره ۵: نحوه امتیازبندی خوانایی در شاخص خوانایی گزارش حسابرسی فلش

امتیاز	شرح	حدود شاخص خوانایی گزارش حسابرسی فلش
۱	خوانایی بسیار دشوار	صفر تا ۳۰
۲	خوانایی دشوار	۳۰ تا ۵۰
۳	خوانایی نسبتاً دشوار	۵۰ تا ۶۰
۴	متن ساده	۶۰ تا ۷۰
۵	خوانایی نسبتاً آسان	۷۰ تا ۸۰
۶	خوانایی آسان	۸۰ تا ۹۰
۷	خوانایی بسیار آسان	۹۰ تا ۱۰۰

(۳) (میانگین تعداد کلمات در هر جمله + درصد کلمات پیچیده) $\times 0.4 =$ شاخص فوگ

فرآیند کلی تعیین سطح خوانایی گزارش حسابرسی بر مبنای شاخص فوگ به ترتیب زیر می‌باشد:

۱. انتخاب تصادفی یک نمونه یک صد کلمه‌ای از ابتدا، یک نمونه یک صد کلمه‌ای از وسط و یک نمونه یک صد کلمه‌ای از اواخر گزارش (با توجه به استاندارد بودن گزارش حسابرسی، نمونه‌های انتخابی از ابتدا و میانه گزارش یکسان بوده و لذا تفاوت اصلی در پاراگراف انتهایی خواهد بود).

۲. مشخص کردن جملات در هر یک از نمونه‌های انتخابی در مرحله قبل و تعداد آن‌ها

۳. تقسیم تعداد کلمات به تعداد جملات کامل در هر نمونه انتخابی به منظور تعیین متوسط طول جملات

۴. مشخص کردن تعداد کلمات سه هجایی و بیشتر از سه هجا

۵. مشخص کردن حاصل جمع تعداد کلمات از نوع پیچیده با تعداد کلمات از نوع متوسط در هر کدام از جملات پیش گفته

۶. محاسبه حاصل ضرب عدد ثابت فرمول در تعداد کلمات دشوار و متوسط کلمات در جملات مذکور در بندهای قبل

۷. تکرار محاسبات انجام شده در بندهای ۴، ۵ و ۶ برای دو نمونه یک صد کلمه‌ای دیگر

۸. محاسبه میانگین نتایج هر سه نمونه از طریق جمع و تقسیم به تعداد.

با توجه به مراحل فوق چنانچه عدد حاصل از شاخص فوگ بزرگ‌تر یا مساوی با ۱۸ باشد، میزان خوانایی متن بسیار پیچیده، اگر عدد حاصل از آن بین ۱۴ و ۱۸ باشد، خوانایی متن دشوار، اگر بین ۱۲ تا ۱۴ باشد متن ساده، اگر بین ۱۰ تا ۱۲ باشد، متن قابل قبول و اگر ۸ تا ۱۰ باشد، متن آسان خواهد بود. نگاره (۶) حدود شاخص مذکور را نشان می‌دهد.

نگاره ۶: حدود شاخص خوانایی گزارش حسابرس فوگ

سطح	شرح	حدود شاخص خوانایی گزارش حسابرس فلش
۱	خوانایی بسیار دشوار	بزرگ‌تر یا مساوی با ۱۸
۲	خوانایی دشوار	۱۴ تا ۱۸
۳	متن ساده	۱۲ تا ۱۴
۴	متن قابل قبول	۱۰ تا ۱۲
۵	خوانایی آسان	۸ تا ۱۰

متغیرهای کنترلی پژوهش نیز شامل متغیرهای پیرو می‌شود: اندازه شرکت صاحب‌کار (SIZE) که به صورت لگاریتم طبیعی کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. انتظار ما این است که به دلیل وجود منابع حسابرسی بیشتر در شرکت‌های بزرگ‌تر، رابطه مثبتی میان خوانایی گزارش حسابرسی و اندازه شرکت برقرار باشد (هانینفا و کوکه، ۲۰۰۲؛ بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴)؛ بازده دارایی (ROA) که به صورت نسبت سود خالص قبل از اقلام استثنایی به کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود و شاخصی برای عملکرد شرکت قلمداد می‌شود و فرض ما وجود رابطه مثبت میان آن و خوانایی گزارش حسابرسی است (لارکر و همکاران، ۲۰۰۷)؛ اهرم مالی (LEV) که به صورت نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. فرض ما این است که تاثیر مثبت اهرم مالی بر ریسک‌های شرکت موجب افشای بیشتر موضوعات کلیدی در گزارش حسابرسی خواهد شد (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱؛ حسن، ۲۰۰۹؛ لاند هولم و همکاران، ۲۰۱۴)؛ نسبت جاری شرکت (CURR) که به صورت نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود، با ریسک حسابرسی بیشتر در ارتباط بوده و انتظار می‌رود تا بر افشای موضوعات با اهمیت حسابرسی در گزارش حسابرس تاثیر مثبت داشته باشد؛ اندازه موسسه حسابرسی (BIG) که متغیر شاخص بوده و اگر سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس شرکت انجام وظیفه کند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص می‌یابد. از آن جایی که موسسات حسابرسی بزرگ‌تر حائز منابع حسابرسی و دانش تخصصی (خاص صنعت) بیشتری هستند، انتظار تأثیرگذاری مثبت اندازه موسسه حسابرسی بر خوانایی گزارش حسابرسی وجود دارد (حسن،

۲۰۰۹؛ لاند هولم و همکاران، ۲۰۱۴)؛ اظهار نظر حسابرس (OPIN) که متغیر شاخص بوده و در صورتی که گزارش حسابرس تعدیل شده باشد (مشروط، مردود و یا عدم اظهار نظر) عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص می‌یابد؛ تغییر موسسه حسابرسی (ROT) که متغیر شاخص بوده و اگر شرکت در سال مالی مذکور موسسه حسابرسی خود را عوض کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱. شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی اسپیرمن

نگاره (۷) شاخص‌های مرکزی و پراکندگی داده‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر را برای تمامی ۱۰۳ شرکت مورد بررسی در دوره هفت‌ساله پژوهش نشان می‌دهد. نگاره مذکور آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای کمی پژوهش را (شامل کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار) به تفکیک برای شرکت‌های نمونه پژوهش نشان می‌دهد. میانگین شاخص سهولت خوانایی فلش به عنوان شاخص نخست خوانایی گزارش حسابرسی (۸۷/۶۵) حاکی از آن است که متوسط گزارش‌های حسابرسی شرکت‌های نمونه پژوهش حائز خوانایی ساده هستند، چرا که بر طبق امتیازبندی مندرج در نگاره (۵)، میانگین مذکور در محدوده امتیاز (۶) قرار می‌گیرد که نشان دهنده ساده بودن قرائت گزارش حسابرسی می‌باشد.

همچنین، اطلاعات مندرج در نگاره فوق نشان می‌دهد که کمترین و بیشترین مقدار به دست آمده برای شاخص فلش در میان شرکت‌های نمونه پژوهش به ترتیب (۷۴/۹۷۳) و (۹۸/۱۳۶) می‌باشد که در مقایسه با پژوهش‌های مشابه پیشین (لی، ۲۰۰۸؛ حسن، ۲۰۱۷؛ ولته، ۲۰۱۸) امتیاز بالاتری را برای خوانایی گزارش حسابرسی نشان می‌دهد. به گونه ای مشابه، نتایج به دست آمده برای شاخص دوم خوانایی گزارش حسابرس (شاخص فوگ) نیز حاکی از سهولت خوانایی گزارش‌های حسابرسی برای میانگین شرکت‌های نمونه پژوهش می‌باشد، چرا که متوسط امتیاز حاصل شده برای شرکت‌های نمونه معادل ۹/۸۲۶ می‌باشد که طبق نگاره (۲-۳) در سطح پنجم از سطح بندی امتیازات شاخص فوگ (خوانایی آسان) قرار می‌گیرد. شاخص‌های توصیفی نشان داده شده در نگاره (۷) همچنین نشان می‌دهند که هیئت‌مدیره شرکت‌های نمونه پژوهش به طور متوسط از ۶۰ درصد اعضای غیرموظف تشکیل

شده اند و از این حیث حائز استقلال نسبتاً بالایی هستند. این در حالی است که میانگین متغیر تخصص هیئت‌مدیره (BDSPEC) صرفاً در حدود ۱۰ درصد می‌باشد که نشان دهنده پایین بودن سطح تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های نمونه می‌باشد. علاوه بر این، عدد متناظر با کمینه این متغیر نیز حاکی از آن است که برخی از اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های منتخب پژوهش فاقد تحصیلات و تخصص مالی بوده اند. برخلاف استقلال بالای اعضای هیئت‌مدیره، نتایج مندرج در نگاره فوق حاکی از پایین بودن سطح استقلال کمیته‌های حسابرسی در شرکت‌های نمونه پژوهش می‌باشد، چرا که میانگین متغیر استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) تنها سه درصد می‌باشد. در نهایت، میانگین ۳۴ درصدی متغیر مالکیت نهادی (INSTIT) نیز حاکی از آن است که به طور متوسط ۳۴ درصد از سهام شرکت‌های نمونه پژوهش در اختیار شرکت‌های دولتی و عمومی (شامل بانکها، موسسات مالی و اعتباری، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های دولتی و دیگر ارگان‌های دولتی) می‌باشد. همچنین، صفر بودن کمینه متغیر مالکیت نهادی نیز نشان دهنده آن است که ساختار مالکیت برخی از شرکت‌های منتخب در پژوهش حاضر فاقد سهامداران نهادی بوده است.

همچنین در میان شرکت‌های موجود در نمونه آماری پژوهش، گزارش حسابرسی مربوط به شرکت پلاسکو کار سایپا در سال ۱۳۹۲ کمترین میزان امتیاز شاخص خوانایی فلش و گزارش حسابرسی مرتبط با شرکت سیمان خزر نیز در سال ۱۳۹۱ بیشتر امتیاز شاخص خوانایی فلش را کسب کرده‌اند. به گونه ای مشابه، شرکت‌های تامین ماسه و ایران ترانسفو نیز به ترتیب کمترین و بیشترین مقدار شاخص خوانایی فوگ را در سال ۱۳۹۲ به خود اختصاص داده اند. مستقل ترین هیئت‌مدیره نیز در میان شرکت‌های نمونه پژوهش متعلق به شرکت‌های ایران مرینوس و شیمیایی سینا بوده است. کوچکترین و بزرگترین شرکت‌های نمونه پژوهش نیز بر حسب ارزش دفتری کل دارایی‌ها آن‌ها (به ترتیب معادل ۲۶،۰۱۸ میلیون ریال و ۴،۵۷۱،۷۳۵ میلیون ریال)، شرکت‌های معدنی دماوند و سایپا بوده اند. اهرمی ترین شرکت پژوهش نیز شرکت جوش و اکسیژن در سال ۱۳۹۶ بوده است، چرا که بدهی‌های آن در حدود ۵/۵ برابر کل ارزش دفتری دارایی‌های آن بوده است.

نگاره ۷: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

نگاره (۷-الف): شاخص‌های توصیفی متغیرهای کمی پژوهش					
نماد متغیر	نوع متغیر	کمیته	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
ARR1	وابسته	۷۴/۹۷۳	۹۸/۱۳۶	۸۷/۶۵۹	۵/۰۹۷
ARR2	وابسته	۸/۵۰۰	۱۱/۱۴۰	۹/۸۲۶	۰/۸۱۹
BDIND	مستقل	۰	۱	۰/۶۰۰	۰/۱۵۸
BDSPEC	مستقل	۰	۰/۶۰۰	۰/۰۹۹	۰/۱۴۴
ACIND	مستقل	۰	۱	۰/۰۳۱	۰/۱۴۵
INSTIT	مستقل	۰	۰/۹۹۹	۰/۳۳۹	۰/۳۱۷
SIZE	کنترلی	۱۰/۱۶۷	۱۹/۱۷۱	۱۴/۰۶۸	۱/۴۹۸
ROA	کنترلی	-۱/۱۰۰	۱/۰۹۷	۰/۰۷۷	۰/۱۸۳
LEV	کنترلی	۰/۰۰۹	۵/۵۵۹	۰/۶۷۹	۰/۴۱۱
CURR	کنترلی	۰/۱۶۳	۱۳/۱۵۱	۱/۴۷۸	۱/۲۲۹

نگاره (۸) روابط همبستگی میان خوانایی گزارش حسابرسی، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و سایر متغیرهای کنترلی پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در نگاره مذکور مشاهده می‌شود، متغیر درصد استقلال هیئت‌مدیره (BDIND) با خوانایی گزارش حسابرسی (ARR) همبستگی معنادار مثبت (۰/۳۲۸) دارد. یعنی افزایش استقلال هیئت‌مدیره شرکت (افزایش تعداد مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره) با افزایش خوانایی گزارش حسابرسی همراه است. از سوی دیگر، افزایش تخصص مالی هیئت‌مدیره نیز با افزایش خوانایی گزارش حسابرسی همبستگی مستقیم دارد، چرا که طبق نگاره مذکور، متغیر تخصص مالی هیئت‌مدیره (BDSPEC) با متغیر وابسته پژوهش همبستگی معنادار مثبت دارد (۰/۳۲۱). هم‌راستای با نتایج پژوهش ولته (۲۰۱۸)، متغیر جنسیت هیئت‌مدیره با متغیر خوانایی گزارش حسابرسی همبستگی مثبت معنادار دارد (۰/۴۴). به عبارت دیگر، حضور بانوان در هیئت‌مدیره شرکت با افزایش میزان خوانایی گزارش حسابرسی همراه است.

همچنین، ضریب همبستگی متناظر با سایر متغیرهای حاکمیت شرکتی (یعنی استقلال کمیته حسابرسی، دוגانگی وظایف مدیرعامل و مالکیت نهادی) نیز حاکی از آن است که میان متغیرهای مذکور و خوانایی گزارش حسابرسی همبستگی مثبت معناداری برقرار می‌باشد. به

بیان دیگر، با افزایش (کاهش) استقلال کمیته حسابرسی، یکسان (مجزا) بودن وظایف مدیرعامل و افزایش (کاهش) مالکیت نهادی در شرکت، خوانایی گزارش حسابرسی آن افزایش (کاهش) می‌یابد. همچنین نتایج مندرج در نگاره (۸) حاکی از آن است که اندازه شرکت، اهرم مالی شرکت و نوع اظهارنظر حسابرسی با خوانایی گزارش حسابرسی همبستگی مثبت معناداری دارند. در حقیقت، شرکت‌های بزرگ‌تر (کوچک‌تر)، اهرمی‌تر (غیراهرمی) و شرکت‌هایی که گزارش حسابرسی آن‌ها تعدیل شده است (مقبول است)، حائز گزارش‌های حسابرسی خواناتری (ناخواناتری) هستند.

نگاره ۸: ماتریس همبستگی اسپیرمن مربوط به متغیرهای پژوهش

نماد متغیر	ARR	BDIND	BDSPEC	ACIND	BDGEND	BDDUAL	INSTIT
ARR	۱						
BDIND	۰/۳۲۸***	۱					
BDSPEC	۰/۳۲۱**	۰/۹۷۲**	۱				
ACIND	۰/۱۴۲**	-۰/۱۶۰**	-۰/۱۶۶**	۱			
BDGEND	۰/۱۴۴**	۰/۱۵۹**	-۰/۱۶۵**	۰/۹۸۲**	۱		
BDDUAL	۰/۴۴۹**	-۰/۴۰۱**	-۰/۳۸۴**	۰/۰۵۰**	۰/۰۴۹**	۱	
INSTIT	۰/۰۰۲*	-۰/۰۶۰*	-۰/۰۶۸*	-۰/۰۰۷	--۰/۰۱۶	۰/۰۴۰	۱

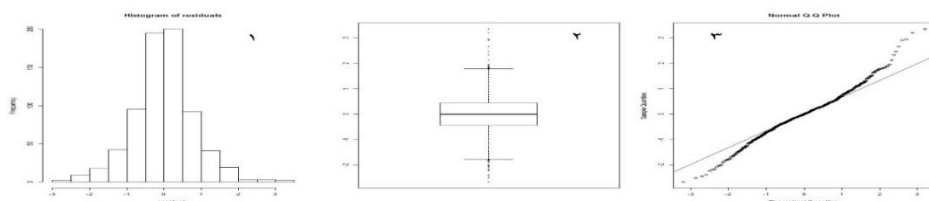
۴-۲. بررسی پذیره‌های زیربنایی مدل رگرسیون

در پژوهش حاضر برای بررسی نرمال بودن خطاهای مدل از آزمون‌های کلموگروف اسمیرنوف^۷، شاپیرو ویلک^۸ و روش نموداری استفاده شده است. همچنین به منظور آزمون مفروضات عدم خودهمبستگی سریالی و عدم ناهمسانی واریانس خطاهای مدل نیز به ترتیب از آزمون بروش گادفری^۹ و بروش پاگان بهره‌گیری شده است. خلاصه نتایج حاصل از آزمون پذیره‌های مذکور در نگاره (۹) نشان داده شده است.

نگاره ۹: نتایج بررسی پذیره‌های زیربنایی مدل رگرسیون پژوهش

نام آزمون	فرضیه H_0	آماره آزمون	p-مقدار	نتیجه
کلموگروف اسمیرنوف	نرمال بودن توزیع خطاها	۰/۴۳۲۸	۰/۰۹۲	تایید فرضیه H_0
شاپیرو ویلک	نرمال بودن توزیع خطاها	۰/۴۶۱	۰/۱۱۳	تایید فرضیه H_0
بروش گادفری	عدم وجود خودهمبستگی سریالی میان خطاها	۱۶۹/۲۵۳	< ۰/۰۰۱	رد فرضیه H_0
بروش پاکان	ثابت بودن واریانس خطاها	۳۱/۱۶۴	< ۰/۰۰۱	رد فرضیه H_0

نمودار (۱) نمودارهای هیستوگرام (مستطیلی)، احتمال نرمال و جعبه‌ای مربوط به خطاهای مدل پژوهش را ترسیم می‌کند.



نمودار (۱): روش نموداری برای بررسی نرمالیتی خطاهای مدل رگرسیون

در مجموع، با توجه به نتایج حاصل از بررسی پذیره‌های زیربنایی مدل پژوهش و اثبات نرمال بودن توزیع، ناهمسانی واریانس و عدم خودهمبستگی سریالی خطاهای مدل پژوهش، مدل نهایی پژوهش به صورت مدل پانلی تعمیم‌یافته^{۱۲} برازش داده شده است.

۳-۴. نتایج حاصل از برازش مدل پژوهش و آزمون فرضیه‌ها (شاخص فلش)

نگاره (۱۰) بیانگر ضرایب برآوردی حاصل از برازش الگوی پژوهش با استفاده از مدل پانلی تعمیم‌یافته^{۱۰} می‌باشد. فرضیه اصلی پژوهش عبارت است از تأثیر معنی‌دار مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرسی؛ به منظور بررسی فرضیه مذکور، باید ابتدا فرضیه‌های فرعی پژوهش را بررسی کنیم، تا در صورت برقرار بودن اکثریت آن‌ها نسبت به فرضیه اصلی پژوهش تصمیم‌گیری کنیم.

با توجه به ضریب $(-0/005)$ و آماره‌ی $t (-0/185)$ متغیر استقلال هیئت‌مدیره (BDIND) و نیز سطح معناداری آن $(0/029)$ که بیشتر از سطح خطای استاندارد ۵ درصد می‌باشد، می‌توان این گونه استدلال کرد که استقلال هیئت‌مدیره شرکت بر خوانایی گزارش حسابرسی تاثیر منفی و معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر، کمتر بودن سطح معناداری یا پی مقدار متغیر مذکور موجب رد شدن فرضیه یک (تاثیر معنادار متغیر مستقل بر متغیر وابسته) و یا پذیرش فرضیه صفر (عدم تاثیر معنادار متغیر مستقل بر متغیر وابسته) گردیده است. این یافته در راستای پژوهش‌های پیشین همانند چن و ژاگی (۲۰۰۰) و حسن (۲۰۱۷) قرار دارد، چرا که پژوهش‌های اخیر استدلال کرده‌اند که حضور مدیران توانمند و مستقل در هیئت‌مدیره شرکت موجب بهبود نظارت بر کیفیت افشای مالی و کاهش منافع حاصل از محدودیت نشر اطلاعات مالی می‌شود که خود موجب افزایش خوانایی گزارش حسابرسی و گزارشگری مالی می‌شود.

بر طبق نتایج حاصل شده در مطالعات پیشین (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳؛ بدارد و همکاران، ۲۰۰۴؛ ابوت و همکاران، ۲۰۰۴)، تخصص مالی هیئت‌مدیره با مدیریت سود متهورانه، تجدید ارائه صورت‌های مالی و کیفیت گزارشگری مالی در ارتباط است. لذا ما در پژوهش حاضر به عنوان فرضیه فرعی دوم فرض کرده‌ایم که تخصص مالی هیئت‌مدیره بر خوانایی گزارش حسابرسی تاثیر معنادار دارد. در این راستا، نتایج متناظر با متغیر تخصص مالی هیئت‌مدیره (BDSPEC) در نگاره (۱۰) حاکی از تاثیر معنی‌دار تخصص مالی هیئت‌مدیره بر خوانایی گزارش حسابرسی می‌باشد، چرا که ضریب برآوردی متغیر مذکور $(0/008)$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد $(0/045 < 0/500)$. به عبارت دیگر، پی مقدار متغیر تخصص هیئت‌مدیره شرکت $(0/045)$ کمتر از سطح خطای قابل‌پذیرش ۵ درصد بوده که خود نشان دهنده تاثیر معنی‌دار و مثبت تخصص مالی هیئت‌مدیره شرکت بر خوانایی گزارش حسابرسی می‌باشد. لذا، فرضیه فرعی دوم پژوهش نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد. ویژگی کمیته‌های حسابرسی در محدودیت افشای اطلاعات توسط مدیران به سبب وجود مدیران غیرموظف در آن‌ها می‌تواند بر کیفیت افشای اطلاعات مالی و خوانایی گزارش‌های مالی و حسابرسی تاثیرگذار باشد. بر طبق نظریه نمایندگی، ایجاد کمیته‌های حسابرسی به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی در شرکت موثر است (فورکر، ۱۹۹۲؛ هو و وُنگ، ۲۰۰۱؛ وِلته،

۲۰۱۸). لذا، انتظار می‌رود تا وجود کمیته حسابرسی موجب ارتقای کیفیت افشای شرکت و خوانایی گزارش‌های مالی و حسابرسی آن گردد. با توجه به مباحث اخیر، فرضیه فرعی سوم پژوهش تأثیر معنادار استقلال کمیته حسابرسی بر خوانایی گزارش حسابرسی را پیش‌بینی می‌کند. با این حال، ضریب متغیر استقلال کمیته حسابرسی در نگاره (۱۰) خلاف این فرضیه را نشان می‌دهد، چرا که ضریب مذکور ($0/231$) در سطح خطای پذیرش ۵ درصد معنی‌دار نیست ($0/187$). بنابراین، فرضیه فرعی سوم پژوهش رد می‌شود.

با توجه به نتایج برآورد الگوی پژوهش در نگاره (۱۰)، متغیر جنسیت هیئت‌مدیره (BDGEND) دارای ضریب برآوردی ($C=-0/964$) و پی مقدار ($P=0/840$) می‌باشد. لذا متغیر مذکور فاقد تأثیر معنادار بر متغیر وابسته پژوهش (خوانایی گزارش حسابرسی) است. بنابراین، فرضیه فرعی چهارم پژوهش نیز مورد تایید قرار نمی‌گیرد، چرا که جنسیت هیئت‌مدیره به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرسی تأثیری ندارد. این یافته بر خلاف نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته قرار دارد که رابطه مثبت معناداری را میان این دو متغیر نشان می‌دهند (همانند بارت و مک کوئین، ۲۰۱۳؛ ولته، ۲۰۱۸). به بیان دیگر، بر خلاف ادبیات علمی پیشین، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری نوآورانه‌تر، اثربخش‌تر و محافظه‌کارانه‌تر بانوان نسبت به آقایان که در ادبیات علمی پیشین مستدل شده است، تأثیر معناداری بر خوانایی گزارش حسابرسی ندارد. ضریب متغیر دوگانگی وظایف مدیرعامل (BDDUAL) حاکی از تأثیر معنادار مثبت بر خوانایی گزارش حسابرسی است، چرا که ضریب مذکور ($0/040$) در سطح خطای قابل پذیرش ۵ درصد معنی‌دار شده است ($P<0/001$). لذا فرضیه فرعی پنجم پژوهش حاضر مورد تایید قرار می‌گیرد و می‌توان گفت که تفکیک وظایف مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره موجب افزایش خوانایی گزارش‌های حسابرسی می‌شود.

نگاره ۱۰: نتایج برآورد الگوی پژوهش با استفاده از روش پانلی تعمیم یافته (شاخص فلش)

نماد متغیر	نوع متغیر	ضریب برآوردی	خطای معیار	آماره استودنت (t)	پی مقدار
INTERCEPT	عامل ثابت	۰/۰۹۲	۰/۲۵۱	۰/۳۶۶	<۰/۰۰۱***
BDIND	مستقل	-۰/۰۰۵	۰/۰۲۷	-۰/۱۸۵	۰/۰۲۹**
BDSPEC	مستقل	۰/۰۰۸	۰/۰۱۲	۰/۶۶۷	۰/۰۴۵**
ACIND	مستقل	۰/۲۳۱	۰/۱۱۲	۲/۰۶۲	۰/۱۸۷
BDGEND	مستقل	-۰/۹۶۴	۰/۶۳۶	-۱/۵۱۶	۰/۸۴۰
BDDUAL	مستقل	۰/۰۴۰	۰/۰۹۸	۰/۴۰۸	<۰/۰۰۱***
INSTIT	مستقل	۲/۹۲۹	۰/۶۳۹	۴/۵۸۳	۰/۷۱۳
SIZE	مستقل	۰/۱۱۱	۰/۲۴۰	۰/۴۶۲	۰/۰۴۵**
ROA	مستقل	-۰/۰۸۲	۰/۰۶۲	-۱/۳۲۷	۰/۴۴۷
LEV	کنترلی	۰/۲۶۷	۰/۶۰۳	۰/۴۴۳	۰/۰۳۸**
CURR	کنترلی	۰/۱۳۷	۰/۴۸۰	۰/۲۸۵	۰/۰۰۸**
BIG	کنترلی	-۰/۰۳۵	۰/۰۲۶	-۱/۳۴۶	۰/۶۶۸
OPIN	کنترلی	۰/۲۵۸	۰/۰۴۰	۶/۴۵۰	۰/۹۸۲
ROT	کنترلی	۰/۰۷۴	۰/۰۳۷	۲/۰۰۴	۰/۶۴۴

در نهایت، نتایج به دست آمده در مورد متغیر مالکیت نهادی (INSTIT) در نگاره (۱۰) نشان می‌دهد که ضریب متغیر مذکور (۲/۹۲۹) در سطح خطای قابل پذیرش ۵ درصد معنی دار نیست ($P=۰/۷۱۳$). لذا، فرضیه مذکور نیز رد می‌شود. این یافته بر خلاف فرض اولیه پژوهش مبتنی بر ادبیات علمی پیشین قرار دارد که بر نقش موثر سهامداران نهادی در ارتقا کیفیت گزارشگری مالی و خوانایی گزارش‌های مالی و حسابرسی تاکید می‌کرد. نتایج به دست آمده از برآورد الگوی پژوهش با استفاده از شاخص خوانایی گزارش فلش (نگاره ۱۰) نشان می‌دهد که در میان متغیرهای کنترلی منظور شده در مدل، متغیر اندازه شرکت (SIZE) مطابق با انتظار اولیه مبنی بر وجود منابع حسابرسی بیشتر در شرکت‌های بزرگتر، تاثیر مثبت

معنی‌داری بر خوانایی گزارش حسابرسی دارد. پی مقدار ($P < 0.01$) و ضریب برآوردی متغیر مذکور (0.045) در سطح خطای قابل‌پذیرش ۵ درصد مثبت و معنی‌دار می‌باشد. علاوه بر این، ضرایب متغیرهای کنترل‌کننده ریسک حسابرسی همانند نسبت جاری (CURR) و اهرم مالی (LEV) نیز به ترتیب 0.137 و 0.267 می‌باشد که مطابق انتظار نشان دهنده تأثیر مثبتی بر خوانایی گزارش حسابرسی دارند و از آن جایی که پی مقدار متغیرهای مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد قرار دارد ($LEV = 0.038$; $CURR = 0.008$)، این تأثیر، مثبت و معنی‌دار می‌باشد. نتایج سایر متغیرهای کنترلی نیز حاکی از عدم وجود رابطه معنادار با خوانایی گزارش حسابرسی می‌باشد. در مجموع، با توجه به این که نیمی از فرضیه‌های فرعی پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است (استقلال هیئت‌مدیره، تخصص مالی هیئت‌مدیره و دוגانگی وظایف مدیرعامل)، فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان استدلال کرد که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرس تأثیر معنی‌داری دارد.

۴-۴. نتایج حاصل از برازش مدل پژوهش و آزمون فرضیه‌ها (شاخص فوگ)

نتایج حاصل از برازش الگوی پژوهش و ضرایب برآوردی هر یک از متغیرهای به کار گرفته شده در آن با استفاده از شاخص خوانایی فوگ در نگاره (۱۱) نشان داده است. با توجه به نتایج حاصل از بررسی پذیره‌های زیربنایی مدل پژوهش و اثبات نرمال بودن توزیع، ناهمسانی واریانس و عدم خودهمبستگی سریالی خطاهای مدل پژوهش، مدل نهایی با استفاده از شاخص فوگ نیز به صورت مدل پانلی تعمیم‌یافته برازش داده شده است. همانطوری که ضرایب متغیرهای مستقل پژوهش در نگاره مذکور نشان می‌دهند، تمامی فرضیه‌های فرعی پژوهش تأیید می‌شوند، چرا که تمامی ضرایب مذکور در سطح خطای قابل‌پذیرش ۵ درصد معنی‌دار شده‌اند. لذا می‌توان گفت که فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرسی (با استفاده از شاخص خوانایی فوگ) نیز برقرار می‌باشد. همچنین، نتایج به دست آمده در نگاره (۱۱) حاکی از عدم وجود تأثیر معنادار متغیرهای کنترلی بر خوانایی گزارش حسابرسی به استثنای متغیر تغییر موسسه حسابرسی (ROT) می‌باشد (ضریب این متغیر -0.134 - در سطح خطای قابل‌پذیرش ۵ درصد معنی‌دار بوده و تأثیر منفی بر خوانایی گزارش حسابرسی دارد).

نگاره ۱۱: نتایج برآورد الگوی پژوهش با استفاده از روش پانلی تعمیم یافته (شاخص فوگ)

نماد متغیر	نوع متغیر	ضریب برآوردی	خطای معیار	آماره استودنت (t)	پی مقدار
INTERCEPT	عامل ثابت	۰/۱۲۱	۰/۵۲۴	۰/۲۳۱	<۰/۰۰۱***
BDIND	وابسته	۰/۵۰۲	۰/۸۰۷	۰/۶۲۲	۰/۰۲۴**
BDSPEC	وابسته	۰/۱۱۲	۰/۱۸۲	۰/۶۱۵	۰/۰۴۱**
ACIND	مستقل	۰/۱۰۹	۰/۲۱۷	۰/۵۰۲	۰/۰۲۸**
BDGEND	مستقل	-۰/۰۳۴	۰/۱۰۹	-۰/۳۱۲	۰/۰۴۵**
BDDUAL	مستقل	۰/۶۰۱	۲/۰۹۶	۰/۲۸۶	۰/۰۱۶**
INSTIT	مستقل	۱/۰۰۸	۱/۴۵۳	۰/۶۹۴	۰/۰۴۷**
SIZE	مستقل	۰/۲۵۰	۰/۱۱۳	۲/۲۱۲	۰/۷۴۳
ROA	مستقل	-۱/۸۸۰	۱/۲۰۶	-۱/۵۵۸	۰/۱۱۴
LEV	کنترلی	۰/۹۰۶	۰/۵۰۳	۱/۸۰۱	۰/۱۵۶
CURR	کنترلی	۰/۵۰۳	۰/۱۰۹	۴/۶۱۴	۰/۶۱۳
BIG	کنترلی	-۱/۵۰۵	۱/۱۰۰	-۱/۳۶۸	۰/۲۵۳
OPIN	کنترلی	۰/۴۰۵	۰/۲۳۰	۱/۷۶۰	۰/۲۰۶
ROT	کنترلی	-۰/۱۳۴	۰/۴۸۶	-۰/۲۷۶	<۰/۰۰۱***

۴-۵. آزمون استحکام (حساسیت) نتایج

در پژوهش حاضر از شاخص طول متن به عنوان شاخصی جایگزین برای سنجش خوانایی گزارش حسابرس به منظور تجزیه و تحلیل حساسیت و قابلیت اتکای نتایج پژوهش استفاده شده است. شاخص مذکور از طریق معادله (۴) به شرح ذیل محاسبه می‌شود (صفری گرایلی و رضایی پیتته نوئی، ۱۳۹۸):

$$(۴) \quad \text{LN(تعداد کلمات متن)} = \text{شاخص طول متن}$$

شاخص فوق در حقیقت معیار معکوس خوانایی گزارش حسابرسی می‌باشد و از این رو قرینه یا معکوس مقادیر محاسبه شده بابت شاخص مذکور به عنوان شاخص مستقیمی از خوانایی گزارش حسابرسی در نظر گرفته می‌شود (صفری گرایلی و رضایی پیتته نوئی، ۱۳۹۸).

نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش با استفاده از شاخص طول متن در نگاره (۱۲) نشان داده شده است. همان گونه که نتایج منعکس شده در نگاره ذیل نشان می‌دهد، تمامی متغیرهای مستقل پژوهش (مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی) تأثیر معناداری بر سطح خوانایی گزارش حسابرسی با استفاده از شاخص طول متن دارند (در سطح خطای ۱۰ درصد). لذا، این یافته با نتایج اصلی پژوهش که در نگاره‌های (۱۰) و (۱۱) منعکس شده است، منطبق می‌باشد. از این رو، می‌توان گفت که یافته‌های پژوهش حاضر با استفاده از شاخص جایگزین خوانایی گزارش حسابرسی حساس نبوده و از استحکام کافی برخوردار می‌باشد.

نگاره ۱۲: نتایج برآورد الگوی پژوهش با استفاده از روش پانلی تعمیم یافته

(شاخص طول متن)*

نماد متغیر	نوع متغیر	ضریب برآوردی	خطای معیار	آماره استودنت (t)	پی مقدار
INTERCEPT	عامل ثابت	۰/۱۹۱	۰/۰۶۷	۳/۰۴۷	۰/۴۵۹
BDIND	وابسته	۰/۰۵۶	۰/۰۴۶	۱/۲۱۷	۰/۰۹۴*
BDSPEC	وابسته	۰/۱۳۲	۰/۱۵۹	۰/۸۳۰	۰/۰۶۱*
ACIND	مستقل	۰/۱۹۱	۰/۳۱۶	۰/۶۰۴	۰/۰۳۶**
BDGEND	مستقل	۰/۲۲۹	۰/۳۰۸	۰/۷۴۳	۰/۰۵۷*
BDDUAL	مستقل	۰/۱۵۸	۰/۵۰۴	۰/۳۱۳	۰/۰۱۹**
INSTIT	مستقل	۰/۹۹۱	۱/۰۰۶	۰/۹۸۵	۰/۰۸۰**

* به سبب صرفه جویی در فضا، از ذکر نتایج مرتبط با متغیرهای کنترلی خودداری شده است.

۵. استدلال و نتیجه‌گیری پژوهش

هدف این پژوهش بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و انتظار می‌رود تا با برقراری مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی‌تر در شرکت، سطح خوانایی گزارش حسابرسی بهبود پیدا کرده و میزان عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی در میان سهامداران و مدیران شرکت کاهش پیدا کند. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۰۳ شرکت پذیرفته شده

در بورس اوراق بهادار تهران در طی قلمروی زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ حاکی از وجود ارتباط معنادار میان نیمی از متغیرهای حاکمیت شرکتی (استقلال هیئت‌مدیره، تخصص مالی هیئت‌مدیره و دوگانگی وظایف مدیرعامل) و خوانایی گزارش حسابرسی می‌باشد. این یافته در راستای پژوهش‌های پیشین همانند چن و ژاگی (۲۰۰۰) و حسن (۲۰۱۷) قرار می‌گیرد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با استفاده از شاخص جایگزین خوانایی گزارش حسابرسی حساس نبوده و از استحکام کافی برخوردار می‌باشد.

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. گزارش حسابرسی به عنوان پل ارتباطی میان حسابرس و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی انجام وظیفه می‌کند و از این جهت شفافیت و خوانایی آن موجب اعتباربخشی و مشروعیت حسابرسان خواهد شد. به عبارت دیگر، دشوار بودن یا ناخوانا بودن گزارش حسابرسی موجب کاهش مطلوبیت اظهارنظر حسابرسی خواهد شد. از این رو انتظار می‌رود تا یافته‌های پژوهش حاضر بتواند به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، موسسات حسابرسی و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی از جمله جامعه حسابداران رسمی اطلاع‌رسانی کرده تا نسبت به ایجاد و تقویت راه کارهایی در جهت افزایش خوانایی گزارش‌های حسابرسی و نیز مکانیزم‌های مناسب‌تر حاکمیت شرکتی گام بردارند و از اقدامات فرصت‌طلبانه مدیران همانند مدیریت سود در آینده پیشگیری کنند.

۶. محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

مطالعه حاضر به بررسی تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرسی پرداخته است. با این حال، انتقادهای زیادی به شاخص‌های اندازه‌گیری خوانایی از بابت توانایی آن‌ها در آزمون قابلیت درک متون وارد است. به عنوان نمونه، جونز و اسمیت (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند که همواره در زمینه ترکیب دو مفهوم نگرانی وجود داشته است، حتی اگرچه این دو مفهوم از هم متمایز باشند. به عبارت دیگر، استدلال ایشان این گونه مطرح می‌شود که خوانایی به سنجش دشواری ادبی یک متن می‌پردازد، در حالی که قابلیت درک به سنجش توانایی یک خواننده برای کسب دانش از یک متن اشاره دارد که نه تنها بر دشواری جمله‌شناسی، بلکه بر خصوصیات فردی خواننده متن همانند دانش پیشین، علایق و توانایی کلی وی در خواندن متون وابسته است. پژوهش حاضر با وجود محدودیت مذکور، نقطه آغازینی برای ارزیابی ارزش

گزارش حسابرسی در ایران قلمداد می‌شود. قابلیت درک گزارش حسابرسی موضوعی است که از حوزه این مقاله فراتر رفته و می‌تواند به عنوان فرصت مطالعاتی برای پژوهش‌های آتی در نظر گرفته شود. محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر به اندازه کوچک نمونه آماری و عدم در نظر گرفتن تمام عوامل تاثیرگذار بر میزان خوانایی گزارش‌های حسابرسی مربوط می‌باشد.

انتظار می‌رود تا یافته‌های پژوهش حاضر بتواند به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، موسسات حسابرسی و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی از جمله جامعه حسابداران رسمی اطلاع‌رسانی کرده تا نسبت به ایجاد و تقویت راه‌کارهایی در جهت افزایش خوانایی گزارش‌های حسابرسی و نیز مکانیزم‌های مناسب‌تر حاکمیت شرکتی گام بردارند و از اقدامات فرصت‌طلبانه مدیران همانند مدیریت سود در آینده پیشگیری کنند. همچنین، پژوهش حاضر می‌تواند فرصت‌های مطالعاتی ذیل را برای پژوهش‌های آتی فراهم کند:

(۱) بررسی تاثیر سایر مولفه‌های ساختار حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

(۲) بررسی تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سایر شاخص‌های خوانایی متن همانند شاخص فلیش-کینکاید.

(۳) بررسی تاثیر مولفه‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی سایر گزارش‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

یادداشت‌ها

- | | |
|---------------------------|---|
| 1. Corporate Governance | 2. Stakeholder Theory |
| 3. Ke Audit Matters (KAM) | 4. Syllables |
| 5. Education Level | 6. Aggressive Earnings Management |
| 7. Kolmogorov-Smirnov | 8. Shapiro-Wilk |
| 9. Breusch-Godfrey | 10. Panel Generalized Linear Model (PGLM) |

منابع

الف. فارسی

- اشرف زاده، حمیدرضا و مهرگان، نادر. (۱۳۸۷). اقتصادسنجی پانل دیتا. موسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران. چاپ اول.
- حاجیه‌ها، زهره و قانع، علی. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر فرصت سرمایه گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۶(۶۳)، ۱۰۳-۱۲۷.
- حساس یگانه، یحیی و کثیری، حسین. (۱۳۸۲). کاربرد مفهوم اهمیت در حسابرسی و تأثیر آن بر اظهار نظر حسابرسان مستقل. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۴(۲)، ۳۸-۱.
- داداشی، ایمان و نوروزی، محمد. (۱۳۹۹). بررسی اثر میانجی خوانایی گزارشگری مالی بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه سرمایه. *مجله دانش حسابداری*، ۱۱(۱)، ۱۳۵-۱۵۷.
- سرهنگی، حجت؛ ابراهیمی، سعید و الهیاری ابهری، حمید. (۱۳۹۳). بررسی اثر پیچیدگی گزارشگری مالی بر رفتار معاملاتی سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ایران. *مجله بورس اوراق بهادار*، ۷(۲۷)، ۷۸-۵۹.
- صفری گرایلی، مهدی و رضایی پیتته نوئی، یاسر. (۱۳۹۷). توانایی مدیریت و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون نظریه علامت‌دهی. *مجله دانش حسابداری*، ۹(۲)، ۲۱۸-۱۹۱.
- صفری گرایلی، مهدی و رضایی پیتته نوئی، یاسر. (۱۳۹۸). استراتژی تجاری و خوانایی گزارشگری مالی. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۱(۴۲)، ۱۳۰-۱۵۰.
- صفری گرایلی، مهدی؛ رضایی پیتته نوئی، یاسر و نوروزی، محمد. (۱۳۹۶). مدیریت سود و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون تجربی رویکرد فرصت طلبانه. *مجله دانش حسابرسی*، ۱۷(۶۹)، ۲۳۰-۲۱۷.
- فضل الهی، سیف اله؛ ملکی توانا، منصوره. (۱۳۸۹). روش‌شناسی تحلیل محتوا با تأکید بر تکنیک‌های خوانایی سنجی و تعیین ضریب درگیری متون، *مجله عیار پژوهش در علوم انسانی*، ۲(۱)، ۹۴-۷۱.
- قائم، محمدحسین؛ شهریاری، مهدی. (۱۳۸۸). حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها. *مجله پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۱(۱)، ۱۲۸-۱۱۳.
- مهدوی، غلامحسین و علیزاده طلائی، وحید. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و

سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پیشرفت‌های حسابداری، ۷(۱)، ۲۳۰-۲۰۳.

ب. انگلیسی

- Abbott, L. J., Parker, S., & Peters, G. F. (2004). Audit committee characteristics and restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23(1), 69-87.
- Abbott, L. J., Parker, S., Peters, G. F., & Raghunandan, K. (2003). The association between audit committee characteristics and audit fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22(2), 17-32.
- Ajina, A., Laouti, M., & Msolli, B. (2016). Guiding through the Fog: Does annual report readability reveal earnings management? *Research in International Business and Finance*, 38(1), 509-516.
- Bart, C., & McQueen, G. (2013). Why women make better directors. *International Journal of Business Governance and Ethics*, 8(1), 93-99.
- Bédard, J., Chtourou, S. M., & Courteau, L. (2004). The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23(2), 13-35.
- Bradbury, M., Mak, Y. T., & Tan, S. M. (2006). Board characteristics, audit committee characteristics and abnormal accruals. *Pacific Accounting Review*, 18(2), 47-68.
- Bushman, R. M., & Smith, A. J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting and Economics*, 32(1-3), 237-333.
- Carcello, J. V., Hermanson, D. R., Neal, T. L., & Riley Jr, R. A. (2002). Board characteristics and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, 19(3), 365-384.
- Chen, C. J., & Jaggi, B. (2000). Association between independent non-executive directors, family control and financial disclosures in Hong Kong. *Journal of Accounting and Public Policy*, 19(4-5), 285-310.
- Cohen, J. R., & Hanno, D. M. (2000). Auditors' consideration of corporate governance and management control philosophy in preplanning and planning judgments. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19(2), 133-146.

- Cohen, J., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. M. (2002). Corporate governance and the audit process. *Contemporary Accounting Research*, 19(4), 573-594.
- Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The Journal of Law and Economics*, 26(2), 301-325.
- Fazlolahi, S. & Maleki Tavana, M. (2010). Content analysis methodology with emphasis on readability techniques and determination of text conflict factor. *Journal of Research*, 2(1), 71-94. (In Persian)
- Felo, A. J., Krishnamurthy, S., & Solieri, S. A. (2003). Audit committee characteristics and the perceived quality of financial reporting: An empirical analysis. Available at SSRN 401240.
- Forker, J. J. (1992). Corporate governance and disclosure quality. *Accounting and Business Research*, 22(86), 111-124.
- Haniffa, R. M., & Cooke, T. E. (2002). Culture, corporate governance and disclosure in Malaysian corporations. *Abacus*, 38(3), 317-349.
- Hasan, M. M. (2017). Managerial ability, annual report readability and disclosure tone (April 23, 2017). Available at SSRN 2957135.
- Hassan, M. K. (2009). UAE corporations-specific characteristics and level of risk disclosure. *Managerial Auditing Journal*. 24(7), 668-687.
- Hassan, M. K., Abu Abbas, B., & Garas, S. N. (2019). Readability, governance and performance: A test of the obfuscation hypothesis in Qatari listed firms. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 19(2), 270-298.
- Hassan, M.K. (2008). The development of accounting regulations in Egypt: legitimating the international accounting standards, *Managerial Auditing Journal*, 23(5), 467-484.
- Hassan, M.K. (2014). Risk narrative disclosure strategies to enhance organizational legitimacy: Evidence from UAE financial institutions, *International Journal of Disclosure and Governance*, 11(1), 1-17.
- Ho, S. S., & Wong, K. S. (2001). A study of the relationship between corporate governance structures and the extent of voluntary disclosure. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 10(2), 139-156.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.

- Jones, M. and Smith, M. (2014). Traditional and alternative methods of measuring understandability of accounting narratives, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 27(1), 183-208.
- Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 33(3), 375-400.
- Laplume, A. O., Sonpar, K., & Litz, R.A. (2008). Stakeholder theory: Reviewing a theory that moves us. *Journal of Management*, 34(1), 1152-1189.
- Larcker, D. F., Richardson, S. A., & Tuna, I. R. (2007). Corporate governance, accounting outcomes, and organizational performance. *The Accounting Review*, 82(4), 963-1008.
- Levitt, A. (2000). Renewing the covenant with investors. *Remarks delivered at NYU Center for Law and Business*, New York, NY, May, 10.
- Lundholm, R. J., Rogo, R., & Zhang, J. L. (2014). Restoring the tower of Babel: How foreign firms communicate with US investors. *The Accounting Review*, 89(4), 1453-1485.
- O'Donovan, G. (2002). Environmental disclosures in the annual report: extending the applicability and predictive power of legitimacy theory, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 15(3), 344-371.
- Safari Gerayoli, M. & Rezaei Pite Noei, Y. (2018). Ability to manage and read financial reporting: A test of signaling theory. *Journal of Accounting Knowledge*. 9(2), 191-218. (In Persian)
- Safari Gerayoli, M., Rezaei Pite Noei, Y., & Norouzi, M. (2017). Earnings management and readability of financial reporting: An empirical test of the opportunistic approach. *Journal of Auditing Knowledge*. 17(69), 217-230. (In Persian)
- Sarhangi, H., Ebrahimi, S., & Allahyari Abhari, H. (2014). Investigating the impact of financial reporting complexity on investor transaction behavior in the Iranian capital market. *Journal of Securities Exchange*, 7(27), 59-78. (In Persian)
- Sengupta, P. (2004). Disclosure timing: Determinants of quarterly earnings release dates. *Journal of Accounting and Public Policy*, 23(6), 457-482.
- Smith, M., Dong, Y. and Ren, Y. (2011). The predictive ability of corporate narrative disclosures: Australian evidence, *Asian Review of Accounting*, 19(2), 157-170.

- Smith, M., Jamil, A., Johari, Y.C. and Ahmad, S.S. (2006). The chairman's statement in Malaysian companies: A test of obfuscation hypothesis, *Asian Review of Accounting*, 14(1/2), 49-65.
- Velte, P. (2018). Does gender diversity in the audit committee influence key audit matters' readability in the audit report? UK evidence. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 25(5), 748-755.
- Watts, L.R. and Zimmerman, J.L. (1978). Towards a positive theory of the determination of accounting standards, *African J. of Accounting, Auditing and Finance*, 1(1), 112-134.
- Watts, L.R. and Zimmerman, J.L. (1990). Positive accounting theory: A ten years perspective, *The Accounting Review*, 65(1), 131-156.
- Wood, W., Polek, D., & Aiken, C. (1985). Sex differences in group task performance. *Journal of Personality and Social Psychology*, 48(1), 63-71.
- Zingales L (1997). Corporate governance. The new Palgrave dictionary of economic and the law, p. 1.